

ماجرای عشق و عاشقی میدون

چه کسی ما را دراز کرد؟



پوریا عالمی

● همه از من می‌پرسند چرا این‌قدر درازه؟ من همیشه می‌گویم چی؟ زبانم؟ قدم؟ پام؟ دستم؟ بختم؟ عـمـرم؟ روده‌ام؟ حتی بابای سـوفـیا و خود سـوفـیا هم همین سـؤال را دارند. علاوه‌براین دو، دانشمندان امپریال‌کالج لندن هم همین سـؤال را دارند و کلی تحقیق کرده‌اند و دیروز پیروز اعلام کرده‌اند که «مردان ایرانی بیشترین افزایش طول قد را در دنیا در صد سال اخیر داشته‌اند. چیزی حدود ۱۶.۵ سانتی‌متر». اما سؤال این است که چرا ایرانی‌ها دراز شده‌اند؟ یا چه کسی ما را دراز کرد؟ ما به این سؤال پاسخ می‌دهیم:

(مردم) در صد سال اخیر از بس نوک انگشت پا ایستاده‌اند تا ببینند اول صف کجاست، قدشان دراز شده.

(بعضی‌ها بلانسیست شما) در صد سال اخیر از بس روده‌درازی کرده‌اند دراز شده‌اند.

(انحرافی‌ها) در صد سال اخیر از بس به مال مردم دست‌درازی کرده‌اند و رفقه‌اند بغل سلین‌دیون، دراز شده‌اند.

(آقا زده‌ها) در صد سال اخیر از بس پاشان را از گلیمشان درازتر کرده‌اند و گذاشته‌اند وسط سـفره مردم، دراز شده‌اند.

(مردم) در صد سال اخیر، از بس انگشتشان را دراز کرده‌اند که یکی پهبشان وقت بدهد که حرفشان را بزنند، دراز شده‌اند.

(مادر بزرگ‌ها) در صد سال اخیر از بس از حال خیری ندیدند و برای ما بخت دراز آرزو کردند، دراز شده‌اند.

(مردم) در صد سال اخیر از بس توی صف‌های دراز ایستاده‌اند که جنس کوبنی بگیرند، دراز شده‌اند.

پیشنهاد

● نشست نقد و بررسی کتاب «زنان در عرصه قانون‌گذاری ایران» تألیف «منوچهر نظری» چهارشنبه ساعت ۱۷ تا ۱۹ در سالن اندیشگاه کتابخانه ملی برگزار می‌شود. در این نشست «منصوره اتحادیه»، «الهه کولایی»، «زهرآ شجاعی»، «امیر طیرانی» و «محمدجواد مظفر» این کتاب را که به حق رای زنان پرداخته است، بررسی خواهند کرد.

شرق روزنامه

www.sharghdaily.ir

چهارشنبه ۶ مرداد ۱۳۹۵ • ۲۲ شوال ۱۴۳۷ • ۲۷ جولای ۲۰۱۶ • سال سیزدهم • شماره ۲۶۴۱ • ۲۰ صفحه • اذان ظهر تهران ۱۳:۱۱ • اذان مغرب ۲۰:۳۳ • اذان صبح فردا ۴:۳۱ • طلوع آفتاب ۶:۰۹

روزنامه‌فرو

کارتون خواب

محمدرضا ثقفی

ایست قلبی شایع ترین علت مرگ در تهران



نوزدهمین جشنواره تابستانی کیش های

۱۵ تیر الی ۳۰ شهریور

19th KISH SUMMER FESTIVAL

www.kish.ir



بلیط هواییما و اقامت هتل ویژه کودکان زیر ۷ سال رایگان می باشد

برای ثبت نام عدد ۱ را به ۶۱۲۲ پیامک نمایید.

هتل ها بازار ها تفریحات دریایی

و خدمات گردشگری

تخفیفات ویژه



هوشنگ کامکار

آهنگ‌ساز و سرپرست گروه «کامکار»



احمدرضا احمدی در بیمارستان بستری است و این اتفاق مرا سخت دل‌نگران کرده؛ اگر یکی، دوتا دوست نزدیک در زندگی داشته باشم، بی‌شک یکی از آنها احمدرضا احمدی است، همکاری‌های زیادی با هم داشتیم و روی اکثر کارهایم، او کلمه خوانده است. این مرد عزیز، حق بزرگی به تاریخ ادبیات و موسیقی ایران دارد و سال‌ها در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به موزیسین‌ها برای تولید آثار ماندگار کمک کرده است. البته احمدرضا شاعری

روزهای نقطه‌دار

خشونت لعنتی مُسری



بهاره رهنما

روزهای دلیل و مدرک/برای ادارات، برای آدم‌ها/چقدر خوب است که دوست‌داشتنت دلیل نمی‌خواهد...

چند هفته‌ای بود که آن‌قدر همه روزها پر از نقطه بود که نمی‌شد از این‌همه نقطه نوشت، مرگ‌ها، سفرهای ناگهانی، اتفاقات عجیب در سرزمین‌هایی که روزی گمان می‌کردیم امن‌ترین جاهای دنیاست و اینکه هر روز منتظر بودیم فقط اتفاق بدتری نیفتد، انگار امسال خبرهای خوب را یکجا باد با خود برده است به سرزمینی که لاف‌لاک ما نمی‌شناسیمش، یکی از بدترین این خبرها مرگی بود که به گواهی همگان می‌شد اتفاق نیفتد، مرگ حق است و ما هم می‌دانیم، اما مرگ اندیشه پُرمُری که سال‌ها می‌توانست منشأ روشنگری باشد آن هم بر اثر یک سهو عجیب؛ دل دوست و حتی دشمن را سوزاند، عجیب اینکه در ساینی جراحی خطاب به جامعه هنری نوشته بود: حقتان این است وقتی به التماس می‌افتید که ما از بیماری نجاتتان دهیم، دست به هیچ‌کدامتان نزنیم؛ زیرش دیگری جواب داده بود: متخصص عزیز، البته بی‌شک منظور اعتراض هنرمندان همه اشخاص جامعه شما نیست، اما بی‌شک آدم‌هایی مثل شما دقیقاً منظور

نظر این اعتراض هستید. در آلمان مشخص می‌شود جوان معترضی که دست به کشتار جمعی می‌زند، یک رگ ایرانی دارد، فرداشب با دوست ایرانی مهاجری صحبت می‌کنم، می‌گوید و می‌گوید همه روز همکاران آلمانی‌اش از صحبت با او خودداری کرده‌اند! سربالی بخش شده که در آن رفتار یک پرستار به چشم همکاران واقعی‌اش که ببینده کار بوده‌اند، خوش نیامده، مادر یک پرستار می‌آید زیر صفحه، یکی از بازیگران سربال و شخص بازیگر را نفرین می‌کند! و جالب اینجاست که همین بازیگر سال گذشته به دیدار پرستاران منطقه محروم رفته و از آنان قدردانی کرده! نمی‌دانم تا کی باید مشت را نمونه خروار دانست؟ و چرا باید خشک و تر را با هم سوزاند؟ از این‌همه خشم و قضاوت هر روز به تنگ می‌آیم و بدتر از همه، اینکه نمی‌دانیم این خشونت لعنتی چقدر مسری است و می‌ترسم به‌مثابه نمایش‌نامه «کرگدن» اوژن یونسکو روزی به‌خود بباییم که ببینیم خودمان هم داریم با این فریاد خشم بر سر یکدیگر، بی‌دلیل همراهی می‌کنیم!

برجسته هم هست که درباره مرتبه شاعری‌اش من هیچ صلاحیت اظهارنظر ندارم. اغلب اوقات، هفته‌ای یکی، دوبار با هم تلفنی صحبت می‌کنیم و اتفاقاً دو، سه روز قبل از بستری‌شدنش در بیمارستان، با هم حرف زدیم و وقتی در خبرها خواندم بدحال شده و به بیمارستان رفته، عمیقاً متأثر و غمگین شدم. احمدرضا احمدی با میل به زندگی و کار و با روحیه‌ای سرشار از عشق و امید، زندگی‌اش را سپری می‌کند و همه مشکلات را پس می‌زند و انسانی به‌غایت طناز و شاد است. او رابطه خوبی با دنیا دارد اما متأسفانه چندسالی است که مرضی‌ها به سراغش آمده‌اند و گاه‌گاهی او ناخوش‌احوال می‌شود اما پس از هربار بستری‌شدن در بیمارستان، وقتی با او صحبت می‌کنم، ادا ابراز ناراحتی نمی‌کند و

یادداشت

احمدرضا احمدی! زودتر به خانه برگرد

همیشه شاد است و بیماری و درد را هم با روحیه طنازش، به سخره می‌گیرد. هر زمان جهان بر من سخت گرفته و احتیاج به امیدواری داشته‌ام، تلفن را برداشته و به احمدرضا زنگ زده‌ام، آن‌وقت دنیا برابرم رنگی و دلپذیر شده. امیدوارم این شاعر و رفیق عزیز ما هرچه‌زودتر بهبود یابد، به‌خصوص که در همه این سال‌ها همسرش، خانم شهره حیدری و دخترش، ماهر، بسیارسیار مراقب او هستند و باید از آنها بابت عشق و همتی که در مراقبت از او دارند، تشکر و ویژه کرد. همین‌طور ممنونم از پزشکانی که با تسهیلات بسیاری هربار احمدرضا را مداوا می‌کنند تا او باز با لبخندش دنیا را دگرگون کند. امیدوارم احمدرضا هرچه‌زودتر به خانه برگردد و باز در جوار شمع‌دانی‌ها شعر بنویسد.

آینه‌های روبه‌رو

زمانی: در سیستم پزشکی، نظارت کیفی وجود ندارد

کنند. به همین دلیل است که فکر می‌کنم هنرمندان بعد از درگذشت اسف‌بار آقای کیارستمی، حساسیت بیش‌ازحد به این موضوع نشان دادند که عادی نبود و عجیب اینکه این حساسیت‌ها تنها براساس نتیجه اعمال شد. تا زمانی که آقای کیارستمی در ایران بودند و تحت معالجه، هیچ سروصدایی به پا نشد اما وقتی نتیجه (یعنی مرگ ایشان) اتفاق افتاد، ناگهان سروصداها بلند شد، درحالی‌که نمی‌توان پزشکی را تنها براساس نتیجه قضاوت کرد.

مگر نتیجه مهم نیست؟

نتیجه واقعا مهم است اما صرفا براساس آن نمی‌توان درباره یک پروسه درمانی قضاوت و اظهارنظر کرد. بعد از حصول آن نتیجه که واقعا هم تلخ بود، این مجمه‌ها شروع شد. درحال‌حاضر در بخش‌های بهداشت و درمان کشور، همه‌روژه شاهد مسائلی هستیم که گاه نابهنجارتر از اتفاقاتی هستند که درباره آقای کیارستمی افتاد، اما سؤال اینجاست که چرا یک حساسیت عمومی از جانب روشنفکران درباره این مسائل شاهد نیستیم؟ متأسفانه یک رویه نادرست در کشور ما وجود دارد که ناگهان، دو گروه علیه هم قد علم می‌کنند در حالی‌که جامعه از روشنفکرانش توقع دارد با حساسیت بالایی وارد جزء به جزء مسائل اجتماعی بشوند، نه اینکه صرفا به خاطر همکاری‌شان، کاری کنند. بگذارید یک مثال بزنم؛ سگته مغزی حاد تا سال گذشته در کشورمان درمان نمی‌شد درحالی‌که در تمام دنیا این مسئله حل شده. خوب، چرا جامعه روشنفکری به این مسئله حساسیت نشان نداده تابه‌حال؟ آیا منتظر بودند این اتفاق ناگوار برای فردی از قشر خودشان رخ دهد؟ این حرف من به معنای دفاع از سیستم پزشکی کشور نیست، من بیش از هر پزشک دیگری به پزشکان انتقاد دارم اما فکر می‌کنم حساسیت هیجان‌زده به طور کلی کار درستی نباشد، بلکه بهتر است به بهانه مسائل پیش‌آمده، زنجیره معیوب را پیدا و با آن برخورد کرد.

رودررویی پزشکان و هنرمندان مثبت است؟

اگر بخواهم عقیده شخصی خودم را بگویم که ممکن است به خیلی‌ها بربخورد، باید بگویم من نتیجه این تضارب عقاید و آرا را مثبت می‌دانم. می‌توان این مسیر را به سمتی سوق داد که آرام‌آرام، بحث از یک مورد خاص به مسائل کلان کشیده شود تا کم‌کم دو سوی این رویارویی، درک کنند در چه موقعیتی قرار دارند و نگاه طرف مقابل به آنها از چه دریچه‌ای است. پزشکان در این شرایط می‌توانند خود را از دیدگاه بیمارانشان ارزیابی کنند و روشنفکران جامعه نیز همین‌طور.

درباره ثبت‌نام کودکان افغان

نه وقت می‌دهند، نه جا!

افغانستانی و حتی کودکان ایرانی فقیر امکان پرداخت این مبالغ را ندارند. از دیگر سو مدارس در صورتی کودکان افغانستانی را ثبت‌نام می‌کنند که ظرفیت داشته باشند. در بسیاری از موارد، ظرفیت مدارس تکمیل اعلام می‌شود و این کودکان از تحصیل جا می‌مانند. سال گذشته به دلیل تکمیل ظرفیت مدارس، دو مدرسه مخصوص کودکان افغانستانی در منطقه ۱۲ ایجاد شد که اگرچه اقدام شایسته‌ای بود، اما چون کودکان ایرانی را از افغانستانی‌ها جدا می‌کرد، قابل‌نقد بود. همچنین برای برخی از این کودکان که در مدارس نزدیک به آنها به دلیل تکمیل ظرفیت امکان تحصیل وجود نداشت، مدارسی دوتر از محل سکونتشان در نظر گرفته شد که به دلیل دوری و نبود وسایل ایاب و ذهاب، این هم مانع از تحصیل آنها شد. برخی از خانواده‌های افغانستانی نیز کارت ویژه حمایت تحصیلی را دریافت کردند به این دلیل که در غیراین‌صورت کودکانشان رد مرز می‌شدند. اما از آن استفاده‌ای نکردند.

۴- ثبت‌نام کودکان افغانستانی بدون اوراق شناسایی اقدامی بسیار مناسب است، اما نباید فراموش کرد برای اینکه این ایده عملی شود، باید زیرساخت‌های مناسب تعیین شود تا ریزش نداشته باشیم.

است در سه روز تعیین‌شده بچه‌های افغانستانی، هم کارت ویژه حمایت تحصیلی دریافت کنند، هم معرفی‌نامه سنجش سلامت بگیرند، هم آزمون تعیین سطح بدهند و هم ثبت‌نام موفق شوند. این در حالی است که در سال گذشته سنجش سلامت و تعیین سطح این افراد قبل از روزهای تعیین‌شده برای ثبت‌نام انجام می‌شد و تعداد روزهای ثبت‌نام نیز پنج روز بود که بعد هم تمدید شد. پرسش اینجاست که انجام همه این کارها در سه روز آن‌هم در شرایطی که بسیاری از خانواده‌ها از این طرح بی‌خبرند، چگونه امکان‌پذیر است؟

۳- پس از انجام ثبت‌نام موفق قرار است در شهریورماه کودکان افغانستانی ثبت‌نام قطعی شوند. در سال گذشته بنا بر اعلام آموزش‌وپرورش ۴۸ هزار کودک افغانستانی ثبت‌نام موفق کردند اما ۳۶ هزار نفر آنها ثبت‌نام قطعی را انجام دادند. این ریزش چگونه اتفاق افتاده است؟ پاسخ‌های چندی به این سؤال داده شده است؛ پیش‌تر دانش‌آموزان افغانستانی برای تحصیل ملزم به پرداخت شهریه بودند. پس از اینکه اعلام شد کودکان افغانستانی از هر نظر با کودکان ایرانی در تحصیل برابر هستند، این شهریه برداشته شد، اما مبالغی که تحت عنوان مشارکت‌های مردمی از کودکان اخذ می‌شود هنوز پابرجا و تقریبا اجباری است. بسیاری از کودکان



فاطمه قاسمزاده

۱- آموزش حق هر کودکی است؛ در هر کشوری که باشد. این همان چیزی است که رهبر انقلاب سال گذشته بر آن تأکید کردند و گفتند تمام کودکان مهاجر و پناهنده اعم از اینکه اوراق هویتی داشته باشند یا نه، می‌توانند در مدارس کشور ثبت‌نام کنند. بااین‌حال قابل‌درک است که کشورها بخواهند حضور افراد سایر ملیت‌ها در محدوده مرزهای جغرافیایی‌شان قانونی یا ثبت‌شده باشد. درهمین‌راستا برای ثبت‌نام کودکان افغانستانی در مدارس ایران در سال گذشته و امسال روزهایی تعیین شد تا این کودکان ثبت‌نام شوند. امسال روزهای پنجم تا هفتم مردادماه تعیین شده تا کودکان افغانستانی با مراجعه به دفتر کفالت، کارت ویژه حمایت تحصیلی دریافت و پس از آن ثبت‌نام کنند.

۲- مهاجران افغانستانی در ایران به هفت گروه تقسیم می‌شوند که شش گروه اول به شکلی اوراق هویتی دارند؛ از گذرنامه تا کارت اقامت و پناهندگی. گروه هفتم آنهایی هستند که هیچ اوراق هویتی‌ای ندارند و این گروه هستند که قرار است در روزهای جاری به دفاتر کفالت مراجعه کنند. براساس شیوه‌نامه منتشرشده برای ثبت‌نام این گروه، قرار